

فهم قرآن حکیم



تفسیر سوره های قرآن
بر اساس ترتیب نزول



محمد عابد الجابری
ترجمه محسن آرمین



نشرنی

سرشناسه: جابری، محمدعابد، ۱۹۳۶-۲۰۱۰ م. Jabiri, Muhammad Abid • عنوان قرارداد: فهم القرآن الحکیم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول فارسی. • عنوان و نام پدیدآور: فهم قرآن حکیم: تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول/ محمد عابد الجابری؛ ترجمه محسن آرمین؛ ویراستار: نرگس ایمانی مرئی. • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۸ • نوییت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۹ • مشخصات ظاهری: ج. ۱، ۲۷۰ ص؛ ج. ۲، ۹۴ ص. • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۲۵۴-۵ • یادداشت: عنوان دیگر: تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول. • موضوع: تفاسیر اهل سنت • فهرست نویسی: فیبا • شناسه افزوده: آرمین، محسن ۱۳۳۳-، مترجم: ایمانی مرئی، نرگس، ۱۳۶۳-، ویراستار. • رده‌بندی کنگره: ۹۸۸ BP • رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ • شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۸۵۹۳۷

قیمت: ۷۸۰۰۰ تومان



نشرنی

فهم قرآن حکیم

تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول

محمد عابد الجابری

جلد اول

مترجم: محسن آرمین

ویراستار: نرگس ایمانی مرئی

نمایه‌ساز: بهنام رضائی نژاد

صفحه‌آرا: الهه خلیج‌زاده

لیتوگرافی: باختر • چاپ: غزال • صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۹، ۱۱۰۰ نسخه

شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۲۵۳-۸

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۲۵۴-۵

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۴۶۵۸-۹، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreney.com • email: info@nashreney.com • nashreney

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به‌صرفه (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۷	پیشگفتار: چگونه قرآن را بشناسیم؟

مرحله اول

نبوت، ربوبیت و الوهیت

۳۳	سخن آغازین
۳۵	۱. سورة علق
۴۰	۲. سورة مدثر
۵۱	۳. سورة مسد
۵۷	۴. سورة تکویر
۶۲	۵. سورة اعلی
۶۸	۶. سورة لیل
۷۲	۷. سورة فجر
۷۸	۸. سورة ضحی
۸۱	۹. سورة انشراح

۸۳	۱۰. سورة عصر
۸۸	۱۱. سورة عادیات
۹۱	۱۲. سورة کوثر
۹۴	۱۳. سورة نکاتر
۹۷	۱۴. سورة ماعون
۱۰۱	۱۵. سورة کافرون
۱۰۴	۱۶. سورة فیل
۱۰۷	۱۷. سورة فلق
۱۱۴	۱۸. سورة ناس
۱۲۰	۱۹. سورة اخلاص
۱۲۵	۲۰. سورة فاطر
۱۲۹	۲۱. سورة الرحمن
۱۳۹	۲۲. سورة نجم
۱۴۹	۲۳. سورة عبس
۱۵۵	۲۴. سورة شمس
۱۵۹	۲۵. سورة بروج
۱۶۵	۲۶. سورة تین
۱۷۰	۲۷. سورة قریش
۱۷۵	تکمله و چشم اندازی به موضوع: رب، الله، رحمن

مرحله دوم

بعث و پاداش و صحنه های رستاخیز

۲۰۳	سخن آغازین
۲۰۵	۲۸. سورة قارعة
۲۰۷	۲۹. سورة زلزله

۲۱۱	۳۰. سورة قیامت
۲۲۰	۳۱. سورة همزه
۲۲۲	۳۲. سورة مرسلات
۲۲۸	۳۳. سورة ق
۲۳۶	۳۴. سورة بلد
۲۴۲	۳۴ مکرر . سورة علق (بقیه)
۲۴۶	۳۴ مکرر ۲. سورة مدثر (بقیه)
۲۵۳	۳۵. سورة فلم
۲۶۵	۳۶. سورة طارق
۲۷۱	۳۷. سورة قمر
۲۷۹	تکمله و چشم اندازی به موضوع: معاد

بخش سوم

ابطال شرک و سقیه انداختن عبادت بت ها

۳۰۳	سخن آغازین
۳۰۵	۳۸. سورة ص
۳۲۱	۳۹. سورة اعراف
۳۶۹	۴۰. سورة جن
۳۷۳	۴۱. سورة یس
۴۰۶	۴۲. سورة فرقان
۴۲۴	۴۳. سورة فاطر
۴۳۶	۴۴. سورة مریم
۴۴۹	۴۵. سورة طه
۴۷۲	۴۶. سورة واقعه

۴۸۰	۴۷. سورة شعراء
۴۹۹	۴۸. سورة نمل
۵۱۴	۴۹. سورة قصص
۵۳۲	۵۰. سورة يونس
۵۵۶	۵۱. سورة هود
۵۷۷	۵۲. سورة يوسف
۵۹۹	حکما و چشم اندازی به موضوع: توحید، بت ها، صورتک ها
۶۱۳	تابع مؤلف
۶۱۷	منابع مترجم
۶۲۱	نمایه

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

کتاب **فهم القرآن**، که این ترجمه جلد اول آن با عنوان **فهم قرآن حکیم** تقدیم خوانندگان محترم می‌شود، ادامه کتاب **الحل فی القرآن الکریم** اثر فیلسوف و متفکر نواندیش مغربی محمد عابد الجابری است که پیش از این ترجمه آن با نام **رهیافتی به قرآن کریم** از این مترجم منتشر شده است. چنان که نویسنده، مقدمه اشاره کرده است، ابتدا قصد او آن بود که جلد دومی بر کتاب **مدخل بنگارد**، اما سیر بحث و تحقیق او را به تألیف **فهم القرآن** هدایت کرده است. **فهم القرآن** یک تفسیر به معنای ما بطلح کلمه نیست. بیشتر آن را باید نمونه‌ای موفق از تلاش برای «فهم قرآن» بر اساس مبانی و اصولی دانست که جابری در کتاب **رهیافتی به قرآن کریم** به شرح و توضیح آن پرداخته است.

درباره رویکرد جابری به قرآن

جابری در مقدمه کتاب **رهیافتی به قرآن کریم** به تبیین روش صحیح فهم قرآن می‌پردازد. ایده اصلی او در کتاب **رهیافت** بررسی نحوه پیدایش و شکل‌گیری قرآن همپا و هماهنگ با مسیر دعوت نبوی است. از نظر او قرآن به مثابه وحی الهی محصول یک فرایند است؛ فرایندی که مراحل و فراز و نشیب‌های دعوت محمدی در دوره‌های مکه و مدینه آن را شکل داده است. در نتیجه، هرگونه فهمی از قرآن باید بر اساس همین واقعیت انجام پذیرد. مفسرانی که با قرآن به مثابه «مصحف» تعامل کرده و بدون توجه به این حقیقت به

تفسیر آن پرداخته‌اند در فهم بسیاری از حقایق قرآنی به خطا رفته‌اند. برای چنین فهمی از قرآن تنها توجه به روایات اسباب نزول به مثابه گزارش‌های تاریخی از سبب نزول این آیه یا آن سوره کفایت نمی‌کند، بلکه چنان که گفتیم، باید قرآن در متن جریان دعوت نبوی در طول بیست و سه سال با همه فراز و نشیب‌ها و چالش‌هایی که دعوت محمدی با آن روبه‌رو بوده فهم شود. به دیگر سخن، چگونگی شکل‌گیری و پیدایش قرآن در سطح تعامل با این کتاب و فهم آن، روش تفسیری خاصی را اقتضا می‌کند. ضوابط و مراحل این روش عبارت‌اند از:

۱. سوره‌های قرآن باید با توجه به شرایط اجتماعی-سیاسی دوره نزول آن‌ها فهم و تفسیر شوند. از نظر داری قرآن طی بیست و سه سال دعوت نبوی و به تدریج در مواجهه با معضلات مختلف، سش‌های متنوع، مخاطبان گوناگون و شرایط عمیقاً نوپدید نازل شده است. رابطه داری قرآن با این شرایط رابطه‌ای دینامیک و پویاست، به گونه‌ای که فهم صحیح مفاد سوره داری قرآن بدون توجه به شرایط نزول آن‌ها، اگر ناممکن نباشد، دست‌کم ناقص و گاه تواءم‌ش‌ارده خواهد بود؛

۲. پیش از پرداختن به تفسیر قرآن باید افاط و مراحل مختلف دعوت نبوی در مکه و مدینه براساس تحلیل تاریخی، سیاسی و اجتماعی مشخص شوند. برای فهم شرایط نزول سوره‌های قرآن، چنان که گفتیم، اسباب نزول به هیچ وجه کفایت نمی‌کند. برای این منظور باید جریان دعوت نبوی را مورد تحایر تاریخی عمیق و همه‌جانبه قرار داد. مقاطع مختلف آن را از هم باز شناخت، ویژگی‌های گفتمانی هر مقطع را مشخص کرد و دریافت که دعوت نبوی در هر یک از این مقاطع با چه شرایط و موانعی روبه‌رو بوده است؛

۳. ترتیب نزول سوره‌ها متناسب با مقاطع و مراحل دعوت تنظیم و مرتبه سوره‌های نازل‌شده در هر مرحله از دعوت باید مشخص شود. برای این مقصود فهرست‌های ترتیب نزول معتبر می‌توانند مبنای کار ما قرار گیرند. در عین حال، باید توجه داشت که فهرست‌های موجود، اعم از معتبر و غیرمعتبر، خود نقل‌هایی تاریخی و محصول اجتهادهای صاحبان خویش‌اند، بنابراین مصون از خطا نیستند، در نتیجه اجتهاد مجدد در آن‌ها منطقی و بلکه ضروری است. از این رو، می‌توان و باید فهرست ترتیب

نزولی را که سندی معتبرتر دارد، مبنا قرار داد و با تحلیل محتوای سوره‌ها و مقایسه نتایج به دست آمده با داده‌های تحلیل تاریخی و ویژگی‌های گفتمانی هر مرحله از جریان نزول وحی، جایگاه هر سوره را در فهرست ترتیب نزول مورد بازبینی قرار داد. روایات اسباب نزول یکی از مؤلفه‌هایی هستند که در این تلاش احتمالاً به کار می‌آیند. به این ترتیب، می‌توان به فهرستی نسبتاً قابل اعتماد از ترتیب نزول سوره‌های قرآن دست یافت؛

۴. پس از طی مراحل مقدماتی پیشین نوبت به تفسیر سوره می‌رسد. این تلاش تفسیری باید دو گام صورت پذیرد:

الف) گام نخست عبارت است از فهم سوره با توجه به داده‌های تاریخی و تحلیل ویژگی‌های گفتمانی رافعات، ناسخات و منسوخات هر مرحله‌ای که سوره در آن نازل شده است؛ ب) گام دوم تلاش برای تطبیق این فهم با شرایط و سبب نزول است.

توضیح آن‌که جابری براساس روش هر نوتیکی خود معتقد است هرگونه فهمی از قرآن، آن‌گونه که پاسخگوی نیاز امروز باشد، فهم قرآن معاصر با ما، مسبوق به فهم قرآن متناسب با شرایط نزول است (فهم قرآن معاصر با خود). مفسر در سطح یا گام نخست باید براساس شرایطی که سوره در آن نازل شده است آن را معاصر با خود معنا کند و در سطح یا گام بعد باید این فهم را منطبق با شرایط خیر سازای کند.

تأکید جابری بر فرایند پیدایش و شکل‌گیری قرآن هم‌کام با سبب نبوی لزوماً به معنای بسنده کردن به روش تفسیر تاریخی نیست. از نظر او آیات قرآن به دو دسته آیات تاریخی، آیات فراتاریخی و آیاتی که دارای ابعاد تاریخی و فراتاریخی هستند، نظر جابری، روش فهم آیات تاریخی همان روش تاریخی و آگاهی از شرایط نزول است. او تأکید می‌کند برای فهم آیات فراتاریخی قرآن باید از روش تفسیر قرآن به قرآن سود برد و در تفسیر آیاتی که سرشتی دوگانه دارند باید از تلفیقی از دو روش بهره جست.

درباره کتاب فهم القرآن

کتاب فهم القرآن، چنان که گفتیم، یک اثر تفسیری به معنای مصطلح نیست. در عین حال، شاید با تسامح بتوان آن را تفسیر مختصر قرآن براساس ترتیب نزول سوره‌ها

دانست؛ تفسیری که طی آن مؤلف کوشیده است قرآن را همپای حوادث و واقعیات زمان نزول وحی و سیر تحول دعوت نبوی فهم کند.

به این منظور جابری با تقسیم دوران دعوت نبوی و نزول وحی به دوره‌های مختلف و تعیین اصلی‌ترین محورهای چالش و موضوع‌های مورد اهتمام در هر دوره، فهم دقیق‌تری از مضامین آیات و سور به دست دهد. او خود دوران مکی را به پنج مرحله تقسیم می‌کند:

- مرحله اول: که دعوت نبوی و گفتار وحی بر محور نبوت و ربوبیت و الوهیت سامان می‌بخشد؛
- مرحله دوم: بعثت و پاداش و صحنه‌های قیامت کانون اهتمام وحی الهی و دعوت نبوی است؛
- مرحله سوم: که برهه‌ای پرچالش و بحرانی است، گفتمان وحی بر ابطال شرک و احمقانه‌بودن پرستش بت‌ها متمرکز است؛
- مرحله چهارم: که مشخصه اصلی آن گسترش دعوت به بیرون مکه و تماس با قبایل عرب در مراسم حج است؛
- مرحله پنجم: که دوران پس از محاصره در شعب ابوطالب و ادامه ارتباط با قبایل و آمادگی برای هجرت به مدینه را شامل می‌شود؛
- مرحله ششم: که مرحله مدینه است. جابری بیان می‌کند که در مقدمه جلد سوم به تفصیل بیان می‌دارد، دوره مدینه را یک مرحله در نظر می‌گیرد.

از مجلد‌های سه‌گانه کتاب فهم القرآن، جلد اول به سه مرحله نخست مکه، جلد دوم به مراحل چهارم و پنجم مکی، و جلد سوم به مرحله مدینه اختصاص دارد.

فهرست ترتیب نزول مورد اعتماد جابری که کتاب فهم القرآن بر اساس آن سامان یافته است، فهرست معروف منسوب به ابن عباس و مورد تأیید الازهر است. در عین حال، او براساس روایات سبب نزول و تحلیل محتوای سوره‌ها و سنجش آن با گفتمان وحی در مراحل مختلف نزول تغییراتی در این فهرست اعمال می‌کند.

هر مرحله با تحلیلی جامع درباره ویژگی‌های گفتمانی آن مرحله آغاز می‌شود. این بخش در هر یک از مراحل شش‌گانه بیانگر توان تحسین‌برانگیز نویسنده در تحلیل

داده‌های تاریخی و حاوی نکات بدیع و اجتهادهای تأمل‌برانگیز او در حوزه تاریخ عصر نزول است. سپس نوبت به شرح سوره‌های آن مرحله می‌رسد. هر سوره در پرتو ویژگی‌های گفتمانی آن مرحله با مقدمه‌ای دربارهٔ مقطع نزول سوره و بررسی روایات سبب نزول سوره آغاز می‌شود. سپس متن سوره به همراه توضیحات و پاورقی‌ها از نظر خواننده می‌گذرد و در پایان مؤلف تحت عنوان «شرح» به تحلیل محتوای سوره براساس داده‌های شین می‌پردازد. او در تبیین معنای آیات همواره بر دو اصل تأکید دارد:

۱. اصل سیاق متنی: نظم و پیوستگی آیات. از نظر او هر سوره شخصیت مستقلی دارد و آیات در خلال آن سه بخش مقدمه، متن و نتیجه به نحوی کاملاً مرتبط و پیوسته با یکدیگر شامل یافته‌ها. این ویژگی که مفسران از آن به وحدت سیاق تعبیر می‌کنند، در نظر جابری یکی از مهم‌ترین شواهد و قرائن درون‌متنی برای فهم صحیح آیات است. او به کمک اصل پیوستگی آیات در هر سوره، گاه نکات بدیعی را که از نظر مفسران مغفول مانده است برابر خوانندگان به نمایش می‌گذارد؛

۲. اصل سیاق تاریخی: از نظر جابری اعتقاد به فایند پیدایش و شکل‌گیری قرآن همپای دعوت نبوی و تحولات آن، در مسیر تفسیر قرآن، موجد اصلی راهگشا در فهم آیات قرآن است که می‌توان از آن به سیاق تاریخی سوره‌های قرآن تعبیر کرد. به موجب اصل سیاق تاریخی، سوره‌های قرآن با شرایط زمانه پيوندی وثیق دارند. در واقع، از نظر جابری شرایط نزول هر سوره قرائن برجسته‌ای را می‌آیند که به کمک آن‌ها از ابهامات آیات می‌توان رمزگشایی کرد.

جابری در بخش متن سوره به توضیح مختصر پاره‌ای آیات به صورت زحمت‌اکتفا می‌کند و از توضیح و تبیین بیشتر آن‌ها چشم می‌پوشد. این توضیح عمدتاً شامل تفسیر معنای واژه یا افزودن کلمات و یا عبارتی مختصر به منظور ایضاح معنای ایه است. همچنین او از شرح و توضیح بسیاری از آیات قرآن به‌ویژه آیات ناظر به مباحث هستی‌شناسانه، امور اعتقادی و اخلاقی، که عمدتاً جنبهٔ فراتاریخی دارند و حاوی نکات و ظرایف قابل توجهی هستند، بدون کمترین توضیحی درمی‌گذرد. به همین سبب، گفتیم که فهم القرآن را نمی‌توان یک اثر تفسیری به معنای مصطلح کلمه دانست. به گمان ما این موجزگویی ناآگاهانه و نشانهٔ نقص و کاستی کتاب نیست. در واقع، اهتمام

جابری در این کتاب کاربست اصل «پیدایش و شکل‌گیری قرآن همپای دعوت نبوی» در فهم سوره‌های قرآن است. از این رو، او به سطح نخست تفسیر آیات، یعنی سطحی که از آن با نام معنای «قرآن معاصر با خود» یاد کردیم، اکتفا کرده است و فهم «قرآن معاصر با ما» را، که نیازمند درک روزآمد از معانی به‌دست‌آمده از آیات و به‌کارگیری روش‌های دیگر از جمله تفسیر قرآن به قرآن است، از دستور کار خود خارج کرده است. توگویی او به خود چنین اندیشیده است که فهم‌ها و معانی نوراً پایانی نیست و هر زمان متناسب با شرایط متحول می‌توان به درک روزآمدی از قرآن دست یافت. فهم واژه‌ها و عبارات قرآن متناسب با شرایط فرهنگی-اجتماعی دوران نزول ایده‌ای است که ابتدا مرحوم شیخ محمد باقر آل‌کافیه در صورت یک قاعده تبیین کرد. هنر جابری بسط و تکمیل تئوریک این ایده است. در واقع از نظر عبده و به‌ویژه جابری، «متن» عبارت است از ساخت زبانی دال دقیقاً در زمینه اجتماع تاریخی خویش که در عین حال توانایی تولید معنا در خارج از چارچوب این زمینه را دارد.

هرگونه درک روزآمدی از متن قرآن نیروی باید مسبوق به معنای ثابتی باشد که آیات در شرایط نزول داشته‌اند. به دیگر سخن، چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، فهم قرآن «معاصر با ما» در گرو فهم قرآن «معاصر با خود» است. در عین حال، دلالت معنای تولیدشده در خارج از زمینه اجتماعی-تاریخی، باید حمیل و موجب نادیده‌گرفتن ساخت زبانی دال متن گردد. به عبارت دیگر و به زبان نزدیکی، به زبان سنت، می‌توان گفت به رغم ثبات منطوق و پویایی «مفهوم»، خوانش متن باید به گسست کامل رابطه منطوق از مفهوم بینجامد. به هر حال، خوانش قرآن هماهنگ با مسیر دعوت محمدی (فهم قرآن معاصر با خود) ایده اصلی است که مفسران به‌رغم تلاش که در فهم واژه‌ها و مناسبات نحوی آیات داشته‌اند، عموماً از آن غفلت ورزیده‌اند و به همین سبب بعضاً در درک روزآمد از قرآن به خطا رفته‌اند. هر گاه به کتاب *فهم القرآن* از این منظر بنگریم ارزش این کتاب در نظر ما دوچندان می‌شود.

در عین حال، فهم القرآن از توضیح و تبیین آیات فراتاریخی با روش تفسیری قرآن به قرآن به کلی تهی نیست. گهگاه نویسنده به این سطح از تفسیر نیز توجهی دارد؛ از جمله

او در تبیین معنای نفس (فهم القرآن، ۳: ۲۱۰ پاورقی) و یا معنای روح (فهم القرآن، ۳۴۰) در قرآن از این روش استفاده می‌کند.

جابری در این کتاب همه جا به اصل معناکردن قرآن «معاصر با خود» و فهم قرآن «معاصر با ما» پایبند مانده است و از این دو بر اولی تأکید داشته است. ممکن است با برخی از برداشت‌ها و دریافت‌های او موافق نباشیم یا او را به علت پایبندی به مذهبی خاص و یا عدم اشراف لازم به منابع شیعی گرفتار برخی خطاها در تفسیر ببینیم. همچنین ممکن است در پاره‌ای از موارد با نظر جابری در تبیین معنایی که از یک آیه با استناد به شرایط نزول آن به دست می‌دهد، موافق نباشیم. گاه ممکن است ارتباط آیه‌ای با شرایط عصر نزول از نگاه جابری مغفول مانده باشد، اما این همه از اهمیت روش ابداعی جابری در فهم قرآن چیزی نمی‌کاهد. جابری در کتاب رهیافتی به قرآن کریم ضمن ارائه تعریفی از قرآن، روش پیشنهادی خود را برای فهم این کتاب به دست می‌دهد. فهم القرآن در واقع نسبت به عمل با دست این روش در فهم معانی قرآن است. به این ترتیب، فهم القرآن یک تجربه در این روش تفسیر قرآن کریم است که افق جدیدی را در حوزه تفسیر به روی قرآن پژوهان می‌گشاید. نسبت به نگرش به قرآن از منظری متفاوت فرا می‌خواند که در پرتو آن پاره‌ای از معانی و دقایق نادیده‌ای قرآن ظاهر و یا دست‌کم دست‌یافتنی‌تر و شفاف‌تر می‌شوند. او کتاب خود را کتاب «قرآن در قرانت قرآن به وسیله سیره و قرانت سیره به وسیله قرآن» می‌داند و از آن احساس حمایت می‌کند. اگر مقصود از «کاری موفق» اولین گام و البته گامی بلند در این مسیر باشد باید رابا احساس با او همراه بود.

درباره این ترجمه

مترجم در ترجمه کتاب فهم القرآن عیناً به قواعد و اصولی که در مقدمه کتاب رهیافتی به قرآن کریم برشمرده، پایبند بوده است و با توجه به این که کتاب رهیافتی به قرآن کریم عملاً مقدمه‌ای بر کتاب حاضر محسوب می‌شود، ضرورتی بر تکرار آن مطالب نمی‌بیند، جز این که همه جا آدرس دقیق نقل قول‌ها و مستندات نویسنده از منابع معتبر در پاورقی‌ها ذکر شده است. طبعاً مستند نویسنده بنا بر مشرب و مذهب خویش منابع روایی و تفسیری

اهل سنت است و به همین سبب برخی یافته‌های او احتمالاً با آن چه در منابع شیعی آمده ناسازگار باشد. آگاهی خوانندگان محترم از این امر مترجم را از هرگونه توضیحی در متن کتاب بی‌نیاز ساخته است.

مؤلف در شرح آیات بعضاً به تبیین معنای یک واژه و یا یک جمله اکتفا کرده و برخی آیات را نیز بدون شرح وانهاده است. این امر البته برای خواننده عرب‌زبان مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما خواننده فارسی‌زبان و ناآشنا به زبان عربی، در مورد آیاتی که اصلاً و یا کلاً شرح و معنا نشده‌اند، نیازمند رجوع به ترجمه است. از این رو، به منظور استفاده بیشتر خواننده فارسی‌زبان، در برابر هر آیه ترجمه آن را آورده‌ایم. مبنای ما در ترجمه آیات، ترجمه سر آن کریم اثر مرحوم سید جلال الدین مجتبوی است. بدین ترتیب که هر جا مؤلف آیه به دلیل وضوح معنا و یا هر علت دیگری وانهاده است، ترجمه مرحوم مجتبوی را در برابر آن آورده‌ایم، اما هر جا مؤلف آیه را به گونه‌ای تفسیر کرده است که با ترجمه مرحوم مجتبوی مغایرت دارد، آیه مذکور مطابق متن کتاب ترجمه شده است. گاه نیز مؤلف در متن سوره آیه‌ای را شرح نکرده اما از توضیحات وی در قسمت‌های دیگر می‌توان نظرش را درباره معنای آیه دریافت. در این موارد نیز آیه براساس نظر مؤلف ترجمه شده است.

در شرح آیات حتی المقدور تلاش شده است، واژه‌ها یا عباراتی که نقش تکمیل‌کننده معنای آیه را دارند در داخل کروشه، و واژه‌ها یا عباراتی که نقش توضیحی دارند در داخل دو تیره قرار داده شوند تا تشخیص ترجمه از شرح و تفسیر برای خواننده محترم ممکن باشد. از این رو، این کتاب را مستقل از توضیحات مقدساتی مربوط به هر سوره و مطالبی که در بخش شرح هر سوره آمده است، می‌توان ترجمه تفسیری قرآن، روایت عابد الجابری به شمار آورد.

در پایان از دوستان خوب آقایان دکتر حسین واله و سید محمد آل مهدی که از نظرات و همفکری‌های ایشان در این ترجمه بهره برده‌ام، سپاسگزاری می‌کنم. بی‌شک این ترجمه دارای کاستی‌ها و نقایصی است که مسئولیت آن کاملاً متوجه مترجم است. در انتها، ضمن استقبال از نقدهای احتمالی، امید دارم این اثر رضایت خاطر خوانندگان محترم را فراهم آورد.